



در گویش‌ها و زبان‌های مختلف ایرانی، این کلمه، با اندک تفاوتی در حروف به معنای اخیر یا با معنایی نزدیک بدان (مانند باخبر کردن یا خبرسانی) به کار رفته است؛ از جمله در گویش مردم قم‌صر کاشان «چووشی» به معنای چاووشی<sup>۱</sup> و در زبان کردی کاهروی معاصر، کلمه «چاچی» به معنای خبرچین یا خبرسان استفاده شده است.<sup>۲</sup>

چاووش در عربی به شکل شاویش، شاوش و جاویش آمده و در متون دوره ممالیک، ایوبیان و عثمانیان به کار رفته که مراد از آن، بیشتر، منصبی حکومتی است که وظایف متنوعی را بر عهده داشته است.<sup>۳</sup>

چاووشان، در ایام خاص موسم حج یا

**چاووشی:** رسم شعرخوانی به آواز، با آدابی خاص، در بدرقه و استقبال حج گزاران و زائران چاووش یا چاؤش، در اصل واژه‌ای ترکی<sup>۱</sup> و در فارسی به معنای متعددی آمده است؛ از جمله: منصبی نظامی<sup>۲</sup>، مسئول تشریفات یا سپرست خدمتکاران<sup>۳</sup>، قافله‌سالار، به ویژه قافله حج<sup>۴</sup> و کسی که با چاووشی، یعنی آداب و تشریفاتی خاص، شامل شعرخوانی، مردم را برای رفتن به حج و حرمین شریفین یا اماکن زیارتی دیگر، با خبر و دعوت می‌کند.<sup>۵</sup>

۱. لغت‌نامه، ج.۵، ص.۴۶\_۷۰۴۷. ۲. «چاووش»؛ ایرانیکا، ذیل «چاوش».

[www.iranicaonline.org/articles/cavos\\_or\\_cavusoriginally\\_turkish\\_word\\_kasgari\\_i\\_p](http://www.iranicaonline.org/articles/cavos_or_cavusoriginally_turkish_word_kasgari_i_p)

۳. دیوان معزی، ص.۵\_۳۰۰؛ خسرو و شیرین، ص.۴۷۱؛ اسرار التوحید، ص.۳۷۸.

۴. نک: دیوان اوحدالدین مراغی، ج.۱، ص.۳۹، ۲۰۹؛ ۶۸۵۳، خسرو و شیرین، ص.۱۲.

۵. فرهنگ آندراج، ص.۳۲۷؛ ایرانیکا، ذیل «چاوش».

۶. لغت‌نامه، ج.۵، ص.۴۶\_۷۰۴۷. ۷. «چاووش».

۱. سفرهای زیارتی در فرهنگ مردم، ص.۱۱۰.

۲. تحقیقات میدانی نویسنده مقاله.

۳. سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی، ص.۳۲۱؛ سفرهای زیارتی در فرهنگ مردم، ص.۷۸؛ تاریخ امپراطوری عثمانی، ج.۱، ص.۷۴.

از پیشینه تاریخی چاوشی خوانی اطلاع دقیقی در دست نیست. برخی حدس زده‌اند که این رسم، با رسم دیرین ایرانیان در سوگ سیاوش، پیوندی دارد.<sup>۴</sup> به ظاهر، چاوشی خوانی برای زائران عتبات عراق یا مشهد، از دوره صفوی (حکم: ۹۰۶-۱۳۵ق.) مرسوم شد، و در دوره قاجار (حکم: ۱۲۱۰-۱۳۴۴ق.)، رونقی بیشتر یافت<sup>۵</sup>، و به سفر حج نیز تسری پیدا کرد.

چاوشان، در مکان‌های عمومی پر رفت و آمد، مانند بیرون مسجد جامع یا بازار شهرها و روستاهای، به تناسب سفر حج یا زیارت، بیرق‌ها و شمایل‌هایی از کعبه یا حرم امامان<sup>پیغمبر</sup> برپا می‌کردند و اشعاری را بدون ساز، در مدح پیامبر<sup>علیه السلام</sup> و اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> می‌خوانندند.

چاوش خوانی در طول راه ادامه داشت و چاوشان، در سفر رفت و برگشت و نیز هنگام حضور در اماکن مقدس، به اوقات مناسب، به چاوشی خوانی می‌پرداختند.

چاوشان نوچه‌ها و شاگردی‌ای داشتند که آنان را در چاوشی خوانی یاری می‌کردند.

<sup>۴</sup>. درآمدی بر نمایش و نیایش در ایران، ص: ۱۶۴؛ کلک، ش: ۱۵-۱۶، ص: ۸، «چاوش».

<sup>۵</sup>. نک: روزنامه وقایع اتفاقیه، ص: ۲؛ سفرنامه ادیب الملک به عتبات، ص: ۳۹؛ دانشنامه جهان اسلام، ج: ۱۱، ص: ۸۸۷-۸۸۶؛ «چاوش خوانی».

زیارت عتبات عراق و مشهد الرضا، میان شهرها و روستاهای ایران می‌گشته و با آداب و رسومی خاص، مردم را از سفر و حرکت کاروان باخبر و به حج یا زیارت ترغیب و تشویق می‌کرده‌اند. آنان، افزون بر چاوشی خوانی، کارها و وظایف دیگری را نیز بر عهده داشته‌اند. به ظاهر، هدف نخستین چاوشی خوانی باخبر کردن مردم از حرکت کاروان‌های زیارتی بوده و فلسفه چاوشی خوانی، به ضرورت سفرهای مخاطره‌آمیز و طولانی روزگاران قدیم باز می‌گردد که ایجاب می‌کرده است، مسافران با هم و در ایام خاصی، سفر را آغاز کنند و در وقت معین، به منزل مناسب برسند.<sup>۱</sup>

چاوشی خوانی در رونق سفرهای حج و زیارتی مؤثر بوده، به گونه‌ای که گاه کسی که قصد سفر نداشته، با شنیدن صدای چاوش، تشویق و عازم سفر می‌شده است.<sup>۲</sup>

چاوشی خوانی از آداب بدرفه و استقبال بوده و بر شکوه آن‌ها می‌افزوده است. چاوشی خوانی باعث می‌شده است تا مردمان شهر یا روستا، از حرکت کاروان حج گزاران یا زائران باخبر شوند و به جمع بدرفه کنندگان پیوندند.<sup>۳</sup>

۱. کلک، ش: ۱۵-۱۶، ص: ۱، «چاوش».

۲. سفرهای زیارتی در فرهنگ مردم، ص: ۹۷-۹۸.

۳. سفرهای زیارتی در فرهنگ مردم، ص: ۶۹-۷۰.

زیارت در حرم امامان <sup>علیهم السلام</sup> راهنمایی می‌کردند.<sup>۴</sup> وقتی زائران و حج گزاران بازمی‌گشتند، این گروه در نزدیکی‌های وطن پیش می‌افتدند و به بستگان و آشنايان آنان خبر می‌دادند تا برای استقبال آماده شوند و در برابر، مژده‌گانی می‌گرفتند.<sup>۵</sup>

نظر به وظایفی که چاوشان بر عهده داشتند، در شهرهای بزرگ، آنان را چند هفته پیش از سفر به خدمت می‌گرفتند.<sup>۶</sup> چاوشی خوانی در میان راه، به لحاظ روانی، کار کرد مثبتی داشت و به مسافران، دلگرمی و نشاط می‌بخشید.<sup>۷</sup>

محلات مختلف برخی شهرها یک یا چند نفر چاوش داشته که مسئولیت هماهنگی و پیگیری امور ارتباطی و فرهنگی زائران و حج گزاران را بر عهده داشته‌اند.<sup>۸</sup> اذان گویی، تعزیه خوانی و مداعی مذهبی در جشن‌های مانند عروسی و ختنه‌سوران، از دیگر فعالیت‌های برخی چاوشان بوده است.<sup>۹</sup>

۴. کلک، شن ۱۴\_۱۵، ص ع «چاوش»؛ نک: سفرنامه عضدالملک به عتبات، ص ۱۳۸؛ سفرنامه گوهر مقصود، متن ۱۱۹.

۵. نک: تاریخ مذهبی قم، ص ۳۹۷.  
۶. نک: طهران قدیم، ج ۳، ص ۴۵۳؛ اردبیل در گذرگاه تاریخ، ج ۲، ص ۱۶۵.

۷. نک: بیرون‌نامه، ص ۱۴۷.  
۸. سفرهای زیارتی در فرهنگ مردم، ص ۹۵.  
۹. درآمدی بر نمایش و نیایش در ایران، ص ۱۳۶\_۱۳۷.

گاهی خود شعر می‌خوانند و گاهی، از طریق گفت و گوی منظوم با شاگرد چاوشی، نمایش گونه‌ای ترتیب می‌دادند و مردم نیز، در خواندن برخی اشعار آنان را، همراهی می‌کردند.<sup>۱</sup>

سنت چاوشی خوانی برای سفر به حرمين شریفین و دیگر اماکن زیارتی، مانند عتبات عالیات عراق و مشهدالرضا <sup>علیهم السلام</sup>، یکسان، و تفاوت آن‌ها تنها در مضامین اشعار بود. از این رو محدود پژوهش‌های صورت گرفته درباره چاوشی، همگی را به صورت مشترک بررسیده‌اند.

برخی چاوشان تا منزلگاه بیرون شهر یا روستا، که مسافران برای حرکت در آن گرد می‌آمدند، با زائران و حج گزاران می‌رفند و چاوشی می‌خوانند و سپس بازمی‌گشتند.<sup>۲</sup> برخی دیگر، مسافران را در طول سفر همراهی و چون خود بارها به این سفر رفته بودند،<sup>۳</sup> اعضای کاروان را در انتخاب مسیر و منازل و استراحتگاه‌های میان راه و حفظ شئون و رعایت آداب تشرف به حرمين شریفین یا

۱. درآمدی بر نمایش و نیایش در ایران، ص ۱۳۶؛ کلک، شن ۱۴\_۱۵، ص ۷. «چاوش».

۲. در قلمرو مازندران، ص ۱۱۳؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۱، ص ۶۸۸\_۶۸۹ «چاوش خوانی».  
۳. نک: سفرنامه گوهر مقصود، ص ۱۱۹.

امامان معصوم علیه السلام، امامزادگان و اماکن مرتبط با آنان است؛ اما گاه از وقایع و سختی‌های سفر، مانند برخورد مرزبانان با حج گزاران یا مشکلات اخذ روادید نیز در آن‌ها یاد شده است.<sup>۴</sup> چون در بسیاری از سفرهای حج قرون گذشته، زیارت عتبات نیز مقصد حج گزاران ایرانی بود، در اشعار چاوشی، از عتبات عراق نیز سخن رفته است؛ مانند:

اول به نجف، شیر خدا را صلوات  
دوم به مدینه، مصطفی را صلوات  
بارها گفت محمد که علی جان من است  
هم به جان علی و هم به محمد صلوات<sup>۵</sup>

چاوشان، در برخی ایيات، ضمن مدح اولیاء‌الله، از مسیر سفر و اماکنی که قصد آن‌ها را داشته‌اند نیز خبر می‌داده‌اند؛ مانند:

خدا گواست به سر تا که ما چه‌ها داریم  
از آن که میل سوی خانه خدا داریم  
دگر خیال مدینه اگر خدا خواهد  
سپس که آرزوی شاه نینوا داریم<sup>۶</sup>

اعشار چاوشی که به دست مرسی‌هاند، سراینده مشخص و به لحاظ شعری، استواری چندانی ندارند و وزن و قافیه در آن‌ها چندان رعایت نمی‌شده و هر کسی دخل و تصرف‌هایی

چاوشی نیازمند صدای خوش و مهارت در آواز و شعرخوانی و بداهه‌گویی بود؛ اما شهرت چاوش به تقویت درستکاری و آشنایی‌اش با راه‌ها و مسیر سفر، اماکن مقدس و آداب زیارت و حج نیز در اقناع مردم سهمی مهم داشت.<sup>۷</sup>

چاوشی در دستگاه‌های آوازی موسیقی ایرانی (غالباً دستگاه چهارگاه) خوانده می‌شد که مهارت در آن، نیازمند تمرین و ممارست و آشنایی اجمالی با این دستگاه‌ها و نیز هنر آوازخوانی بود. بدین رو چاوشان، نخست مدت‌ها نزد استاد چاوشی، دستیاری و مراحل نوچگی و شاگردی را طی می‌کردند و اشعار بسیاری را به خاطر می‌سپردند و در کنار آن، دانستنی‌های مذهبی و تاریخی متنوعی، درباره اماکن زیارتی و حرمین شریفین، می‌آموختند و در نهایت، به مقام چاوشی می‌رسیدند و بیرقی مخصوص به خود بر پا می‌کردند.<sup>۸</sup> در برخی موارد، مقام چاوشی به صورت موروثی به فرزند او می‌رسید.<sup>۹</sup>

موضوعات و مضامین اشعار چاوشی غالباً مذهبی و در وصف و مدح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم،

۱. کلک، ش ۱۴\_۱۵، ص ۶ «چاوش».

۲. درآمدی بر نمایش و نیایش در ایران، ص ۱۲۴؛ ایرانیکا، ذیل

واژه «چاوش».

۳. کلک، ش ۱۴\_۱۵، ص ۸، «چاوش».

۴. کلک، ش ۱۴\_۱۵، ص ۷، «چاوش».

۵. سفرهای زیارتی در فرهنگ مردم، ص ۵۸.

۶. طهران قدیم، ج ۳، ص ۴۵۳.

پوشش چاوشان گزارش شده است؛ مثلاً در ساوجبلاغ طالقان، چاوشان، کلاهی قرمز منگوله دار بر سر می‌گذاشتند که به آن کلاه گلنمدار می‌گفتند.<sup>۵</sup> پرچم چاوشان سه گوش و سبز یا سیاه بوده است.<sup>۶</sup>

چاوشی خوانی، به نیت ثواب اخروی و از سر شوق زیارت و خدمت به حج گزاران و زائران انجام می‌گرفت و درآمد مادی برای چاوشان نداشت؛ اما رفته رفته، آنان، برای خدمات خویش، مزد و خلعت و انعام طلب کردند.<sup>۷</sup>

چاوشی خوانی هنوز در شهرها و روستاهای ایران، با تفاوت‌هایی نسبت به گذشته، مرسوم است. این رسم امروزه در خواندن شعر، در وقت بدרכه و بیشتر در استقبال و گاه حین سفر، خلاصه می‌شود. در شهرها، چاوشی خوانان، که مدادهان مذهبی هستند، همراه بدרכه کنندگان یا استقبال کنندگان، اشعار چاوشی را همچون گذشته به آواز و بدون ساز می‌خوانند. رسم چاوشی، هنگام استقبال از حجاج، غالباً در سه جا، ایستگاه‌های پروازی، چند کیلومتر بیرون شهرها و در کوی یا خیابان محل سکونت حجاج برگزار می‌شود و همراه شادی، دود

در آن می‌کرده<sup>۸</sup> و به احتمال، شاخ و برگی بر آن می‌افزوده و گویا مهارت چاوش در خواندن آن‌ها، کاستی‌های وزن و قافیه آن‌ها را نامحسوس می‌کرده است. اشعار در وزن‌ها و قالب‌های گوناگون سروده می‌شد؛ اما بیشتر دو بیتی در بحر رمل مثنی محنوف، رواج بیشتری داشت. چاوش در پایان هر بیت یا بند، از شوندگان ذکر صلوات طلب می‌کرد<sup>۹</sup> که در حکم بیت ترجیع بود. برخی پژوهشگران، به سبب ویژگی غمگینانه و سوگوارانه در طرز چاوشی خوانی، آن را دارای اثراتی از خصائص تراژدیک و دراماتیک دانسته‌اند.<sup>۱۰</sup>

چاوشان، هنگام چاوشی خوانی، لباس پاکیزه بر تن می‌کردند و غالباً مرکبی مانند اسب همراه داشتند و لباسِ کار ویژه‌ای نداشتند؛ اما چاوشان سادات، شال سبز و دیگران شال سیاه بر گردن و سینه می‌انداختند.<sup>۱۱</sup> در برخی مناطق ایران، تفاوت‌هایی جزئی در

۱. نک: درآمدی بر نمایش و نیایش در ایران، ص ۱۴۴؛ کلک، ش ۱۴-۱۵، ص ۷، «چاوش».

۲. سفرهای زیارتی در فرهنگ مردم، ص ۹۹.

۳. درآمدی بر نمایش و نیایش در ایران، ص ۱۵۴؛ کلک، ش ۱۴-۱۵، ص ۷، «چاوش».

۴. درآمدی بر نمایش و نیایش در ایران، ص ۱۳۹، ۱۳۶، ۱۳۴؛ کلک، ش ۱۴-۱۵، ص ۷، «چاوش»؛ سفرهای زیارتی در فرهنگ مردم، ص ۹۶.

۵. سفرهای زیارتی در فرهنگ مردم، ص ۹۸.

۶. کلک، ش ۱۴-۱۵، ص ۷، «چاوش».

۷. کلک، ش ۱۴-۱۵، ص ۷، «چاوش».

## «منابع»

اردبیل در گذر تاریخ: باصاصفی، تهران، امید، ۱۳۸۹؛ اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید: محمد بن منور، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگاه، ۱۳۶۶؛ برهان قاطع: محمد حسین بن خلف تبریزی، به کوشش محمد عباسی، تهران، فریدون علمی، بی‌تا؛ بیرون‌نامه: جمال رضایی، به کوشش رفیعی، تهران، هیرمند، ۲۰۰۲؛ تاریخ امپراتوری عثمانی: هامر پورگشتال یوزف فون، ترجمه میرزا ذکری علی آبادی، به کوشش جمشید کیان فر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۷؛ تاریخ مذهبی قم: علی اصغر فقیهی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۸؛ خسروشیرین نظامی: نظامی گنجوی، به کوشش دستجردی، تهران، ۱۳۱۳؛ دانشنامه جهان اسلام: زیر نظر غلام علی حداد عادل و دیگران، تهران، بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۸؛ در قلمرو مازندران: جهانگیر نصری اشرفی، به کوشش صمدی، قائم شهر، حاجی طلایی، ۱۳۷۴؛ در آمدی بر نیایش و نیایش در ایران: جابر عناصری، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶؛ دیوان اوحد الدین مراغی: اوحد الدین مراغی، به کوشش رضوی، تهران، ۱۳۳۷؛ دیوان معزی: ابوعبدالله محمد میرمعزی، به کوشش آشتیانی، تهران، کتابخواهی اسلامیه، ۱۳۱۸؛ روزنامه اتفاقیه: ش. ۱۶۳، ۱۶۴؛ سفرنامه ادیب الملک به عتبات: ادیب الملک عبدالعلی، تهران، گلزاری، ۱۳۶۴؛ ش. سفرنامه گوهر مقصود: مصطفی تهرانی، به کوشش میرخانی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۵؛ سفرنامه میرزا محمد حسین فراهانی: محمد حسین

کردن اسپند، قربانی و گلاب‌افشانی است.<sup>۱</sup>

اشعار چاوشی گاه حزن انگیزند؛ همچون:

من از دیار شکوه و جلال می‌آیم  
ز سرزمین اذان بلال می‌آیم  
ز دشت لاله خوین سینه آمدہام  
شکسته دل ز دیار مدینه آمدہام  
زمانه چو گرداب و ساحلم آنجاست  
تنم به خاک وطن باشد و دلم آنجاست  
نصیب مرغ دل من شکسته بالی بود  
پرم ز غصه و جای همه چه خالی بود  
مدينه با دل زوار گفت و گوها داشت  
گل مدينه ز احساس رنگ و بوها داشت  
مدينه با دل آتش گرفته خو دارد  
خدا نصیب کند هر که آزو دارد  
نسیم وار به هر کوی در به در گشتم  
مزار گمشده پیدا نکرده بر گشتم  
و گاه شاد و سرروانگیز بود؛ همچون  
حجیان از حرم امن خدا آمدہاند  
شادمان در وطن از سعی و صفا آمدہاند  
رفته بودند سوی مشعر و میقات و حریم  
خرم از رکن و منی سوی وطن آمدہاند  
روز عید عرفه خوانده دعا در عرفات  
شاد و مسرور همه سوی وطن آمدہاند  
بارالها بکن این حج و زیارات قبول  
سعی مشکور که با حج بجا آمدہاند  
شکر بسیار خدا را که به ایران عزیز  
حجیان از حرم امن خدا آمدہاند

۱. تحقیقات میدانی نویسنده.

که به نظر ناشی از تصحیف می‌باشد. برخی چاه معروف به وَدی بن امیر جمال حسین از اشرف حسینی را از نام‌های متأخر این چاه دانسته‌اند.<sup>۷</sup> در برخی سفرنامه‌های قرن ۱۳ق. از این چاه با نام چاه وزاد یاد شده است.<sup>۸</sup> از سبب این نامگذاری‌ها، حفر کننده و مالک چاه گزارشی در دست نیست.

از چاه ابی عنبه، در منابع سیره، مغازی و در گزارش‌های برخی غزوات پیامبر ﷺ یاد شده است. در گزارشی به‌هنگام عزیمت مسلمانان برای نبرد بدر (سال دوم) پیامبر ﷺ به قیس بن ابی صعصعه دستور داد تا تعداد نیروهای سپاه را به او گزارش دهد. قیس پس از شمارش نفرات سپاه، در کنار چاه ابی عنبه، گزارش آن را به حضرت داد.<sup>۹</sup> پس از آن، پیامبر ﷺ در همین مکان از سپاه سان دید و نوجوانان کم سن حاضر در سپاه را به مدینه بازگرداند.<sup>۱۰</sup> برخی توقف حضرت را کنار چاه سقیا دانسته‌اند.<sup>۱۱</sup> در گزارشی دیگر آمده است که آن حضرت کنار چاه ابی عنبه، ابوالبابه را به عنوان جانشین خود در مدینه تعیین کرد و به

فراهانی، به کوشش گلزاری، تهران، فردوسی، ۱۳۶۲ش؛ سفرهای زیارتی در فرهنگ مردم: علی‌رضا هاشمی، تهران، مشعر، ۱۳۸۸ش؛ طهران قدیم: جعفر شهری، تهران، معین، ۱۳۸۳ش؛ فرهنگ آنتدراج: محمد دبیرسیاقی، تهران، خیام، ۱۳۳۵ش؛ کلک (ماهnamه): کسری حاج سید جوادی، تهران، ۱۳۷۰ش؛ لغت نامه: دهخدا (م. ۱۳۳۴ش). زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهری، تهران، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.

ابراهیم احمدیان



### چاه ابی عنبه: از چاه‌های مشهور مدینه و

توقفگاه پیامبر ﷺ در برخی غزوات

چاه ابی عنبه از چاه‌های معروف مدینه، واقع در حره غربی مدینه، نزدیک به چاه سقیا<sup>۱</sup> و در مسیر راه مدینه به مکه<sup>۲</sup> است. فاصله این چاه را تا مدینه با اختلاف یک<sup>۳</sup> یا دو میل<sup>۴</sup> دانسته‌اند. از این چاه با نام ابی عنبه<sup>۵</sup>، یا بئر عتبه<sup>۶</sup> نیز یاد شده

۱. التعريف بما أنسط الهجرة، ص ۱۶۵.

۲. نک: المغازی، ج ۱، ص ۳۳۵؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۶۵.

۳. الاماکن، ص ۱۶۷؛ الامکنة والمیام، ج ۲، ص ۳۰۹؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۰۱.

۴. معجم ما استعجم، ج ۳، ص ۹۷۴؛ المعالم الاثيرية، ص ۲۰۳.

۵. تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۳، ص ۸۱۶؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۹، ص ۹۳؛ اسد الثابه، ج ۵، ص ۴۷۲.

۶. موسوعة مرآة الحرمین، ج ۴، ص ۷۷۸-۷۸۲.

۷. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۴۳؛ الجواهر الشمینی، ص ۱۲۱.

۸. هدایة الحجاج، ص ۲۱۴.

۹. المغازی، ج ۱، ص ۲۶.

۱۰. الطبقات، ج ۲، ص ۶؛ بیهقی التفوص، ج ۱، ص ۳۱۹.

۱۱. الطبقات، ج ۱، ص ۳۹۳.